

بررسی مرگ مغزی و پیوند اعضا از منظر فقه و حقوق و علم پزشکی

فریبا پهلوانی^۱، کثرت غیبی^۲

^۱ استاد یار دانشگاه، رشته فقه و حقوق

^۲ دانشجوی دکتری تخصصی فقه و حقوق

چکیده

خداوند تبارک و تعالی انسان را آفرید و با قدرت و توان خود اعضای مختلفی را در بدن او به کار گذاشت که یکی از این اعضا مغز است. مغز به عنوان پیچیده ترین عضو بدن جایگاه احساسات، غرایز، تفکر و بسیاری از واکنش های آدمی است و کوچک ترین آسیب به آن می تواند عوارض جبران ناپذیری به همراه داشته باشد. مرگ پدیده ای آنی نیست و دارای آغاز و انجام است و شخص مبتلا به مرگ مغزی هر چند در بین این دو زمان به سر می برد اما در فقه و احکام شرعی مربوط به آن، چنین شخصی در حکم شخص زنده بوده و تا زمانی که به آخرین مرحله از این پدیده یعنی مرگ بالینی نرسیده باشد، هیچ یک از احکام مزبور در خصوص او جاری نخواهد شد. این روزها عبارت مرگ مغزی را زیاد می شنویم، اما این بیماری که همه از شنیدن نامش متأثر می شوند، چیست و چه ویژگی هایی دارد و آیا اعضا افراد دچار مرگ مغزی می توانند انسانی را احیاء کند؟ مرگ مغزی به معنای از دست دادن تمامی عملکردهای مغز است و در پی توقف کامل جریان خون به این عضو حساس بدن به وجود می آید. هدف این تحقیق بررسی فقهی، حقوقی و پزشکی مسائل مرگ مغزی و پیوند اعضا این اشخاص به افراد نیازمند، با استفاده از منابع پزشکی، احکام فقهی و الهی و قانونی می باشد، علم پیوند اعضا و مرگ مغزی دارای پیشینه تاریخی است که با گذر زمان و پیشرفت علم و تکنولوژی، دانشمندان و فرهیختگان به نتایج سود مندی دسترسی پیدا کرده اند. به این امید که این مباحث مورد قبول حق تعالی قرار گرفته و قطره ای ناچیز را به دریای علم علاقه مندان بیفزاید.

واژه های کلیدی: مغز، مرگ مغزی، پیوند اعضا، فقه و حقوق، علم پزشکی